

بررسی دلایل بی میلی دانش آموزان به ادامه تحصیل در رشته های کاردانش و فنی و حرفه ای و فراگیری مهارت

احمد یعقوبی^۱

احسان مسعودی پور^۲

معین مهدی پور میرمحله^{۳*}

مهدی کمالی خرم رود^۴

چکیده:

تحقیق انجام شده باهدف آسیب شناسی دلایل عدم گرایش دانش آموزان دوره متوسطه به فراگیری مهارت آموزی و انتخاب رشته های تحصیلی فنی و حرفه ای و کاردانش ارایه شد. این تحقیق رویکرد کاربردی دارد و روش تحقیق بصورت کمی و کیفی می باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل دانش آموزان و کارآموزان رشته کار دانش در کارگاه های مکانیک خودرو بخش فنی حرفه ای در مرکز شهید مطهری رشت و مدرسه امام خمینی بخش سنگرمی باشند. روش نمونه گیری در این تحقیق از نوع پیمایشی می باشد که تعداد حجم نمونه ۳۴۶ نفر می باشد. روش و ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی به صورت مصاحبه و پرسشنامه بود. بخش کمی شامل روش های آماری برای تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود بر اساس استفاده از آزمون t و نرم افزار Spss ۲۰ بود. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل مختلفی مانند عدم توجه کافی به ارزش و اهمیت تحصیلات فنی حرفه ای و کار و دانش در جامعه، نداشتن اطلاعات کافی درباره فرصت ها و مزایای شغلی در رشته مکانیک، نگرش منفی خانواده و جامعه به این رشته و نداشتن تجهیزات به روز و امکانات مناسب برای آموزش عملی در این رشته، ممکن است به کاهش علاقه دانش آموزان به این رشته ها منجر شود. برای رفع این مشکلات، پیشنهاداتی مانند آگاهی و آموزش عمومی درباره ارزش و اهمیت تحصیلات فنی حرفه ای و کار دانش، ارائه اطلاعات دقیق و کامل درباره مسیر شغلی در رشته مکانیک، تغییر نگرش خانواده و جامعه به این رشته و بهبود تجهیزات و امکانات آموزش عملی در این رشته موثر است.

کلیدواژگان: آسیب شناسی، مهارت آموزی، نگرش اجتماعی، آموزش فنی و حرفه ای، آزمون t

^۱ کارشناس ارشد مکانیک خودرو و مربی سازمان فنی و حرفه ای، مرکز شهید مطهری رشت، ایران.

^۲ کارشناس مهندسی مکانیک و مدرس هنرستان آموزش و پرورش، رشت، ایران.

^۳ دکتری تخصصی مهندسی شیمی نساجی و مربی سازمان فنی و حرفه ای، رشت، ایران. (moeen_mp78@yahoo.com)

^۴ کارشناس ارشد مهندسی برق مخابرات و رییس مرکز آموزش فنی و حرفه ای شهید مطهری، رشت، ایران.

"Investigating the reasons for the lack of tendency of students to continue their education in technical and professional training courses and learning skills"

Ahmad Yaeghobi ,

Ehsan Masudipour,

* Moein Mehdipour Mirmahale

Mehdi Kamali Khoramroud

Abstract:

The aim of this research is investigating and recognizing the reasons for the lack of tendency of the majority of high school students to learn skills and choose technical and professional training courses. This research has a practical approach by content analysis method and survey type size is 346 people. The statistical population of this research consists of students and apprentices in the mechanic workshops of the Shahid Motahari TVTO of Rasht and the Imam Khomeini school of Sangar. The method and tool for collecting information in the qualitative part is in the form of interviews and the researcher-made questionnaire. The quantitative part includes the statistical methods for analyze the information are based on the use of T-test and Spss software. The research results showed that various factors such as not paying enough attention to the value and importance of vocational technical education and skill training in the society, not having enough information about job benefits in the field of mechanics, the negative attitude of the family and society towards this field and not having proper and up to date equipment and facilities for practical training in this field, may reduce the interest of students. To solve these problems, suggestions such as public education about the value and importance of technical vocational education, providing detailed and complete information about the career path in the field of mechanics, changing the attitude of the family and society towards this field, and improving practical training equipment and facilities are effective in this field.

Key words: Recognizing the damage, learning skills, social attitude, vocational and technical education, T-test

^۱MS in auto mechanic and trainer of Shahid Motahari TVTO Center, Rasht, Ira

^۲BS in auto mechanic and School Teacher, Rasht, Iran.

^{۳*} PH.D in Chemistry Textile engineering and trainer of Shahid Motahari TVTO Center, Rasht, Iran.

^۴MS in Electrical engineering and head of Shahid Motahari TVTO Center, Rasht, Iran

مقدمه:

علت کاهش علاقه دانش آموزان به هنرستان فنی حرفه‌ای و کار و دانش، به خصوص در رشته مکانیک و مکانیک خودرو، موضوعی است که نیازمند تحلیل و بررسی دقیقتر است. از دیدگاه جامعه شناسی و روان شناختی این امر می تواند دلایل متفاوتی را داشته باشد و در این تحقیق سعی شده است با مبانی تحقیقی آماری معتبر مهمترین دلایل این امر واکاوی و مشخص گردد. بر اساس آنچه در یک مطالعه میدانی کتابخانه ای از فضای مجازی و شبکه های اجتماعی می توان یافت و یا آنچه که از مصاحبه های افراد مرتبط با این امر بر می آید و تحقیقات پیشین اندکی که در این زمینه صورت گرفته است، می توان چند عامل را بصورت پیش فرض در نظر گرفت. یکی از عوامل نداشتن توجه کافی به ارزش و اهمیت تحصیلات فنی حرفه‌ای و کار و دانش در جامعه است.. اغلب این رشته‌ها در تصویرسازی عمومی جامعه به عنوان رشته‌های کم ارزش و کم اهمیت قرار می گیرند. تصویر منفی می تواند باعث کاهش علاقه دانش آموزان به انتخاب این رشته‌ها شود. بنابراین، آگاهی و آموزش عمومی درباره ارزش و اهمیت تحصیلات فنی حرفه‌ای و کار و دانش بسیار ضروری است. به نظرمی رسد عدم گرایش دانش آموزان قوی تر از دیدگاه تحصیلی به ادامه تحصیل در هنرستان فنی حرفه‌ای و کار و دانش در رشته مکانیک یا مکانیک خودرو ممکن است به دلیل نداشتن اطلاعات کافی درباره این رشته باشد. ممکن است دانش آموزان در مورد فرصت‌ها و مزایای شغلی در این رشته کم اطلاع باشند از طرفی. برخی خانواده‌ها و جوامع ممکن است به دنبال تحصیلات دانشگاهی و رشته‌های متداول تر باشند و ارزش تحصیلات فنی حرفه‌ای را کمتر بدانند. علاوه بر این، اینگونه به نظر می رسد که مشکلاتی مانند نداشتن تجهیزات و تسهیلات منطبق با استانداردهای روز جهانی و کیفیت آموزشی نیز می تواند عاملی باشد که علاقه دانش آموزان را به انتخاب رشته مکانیک در هنرستان فنی حرفه‌ای کاهش می دهد علاوه بر این، از بعد روان شناختی انگیزه می تواند به فرد اعتماد به نفس بدهد و او را در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات تحصیلی تقویت کند. وقتی که فرد انگیزه قوی دارد، احتمالاً بهتر می تواند با موانع روبرو شده و به راحتی از پیشرفت تحصیلی خود لذت ببرد و در کنار آن توزیع مناسب تجهیزات و منابع تخصصی نیز می تواند نقش مهمی در افزایش انگیزه و پیشرفت تحصیلی هنرجویان داشته باشد. برخی رشته‌های تحصیلی در بازار کار بسیار مورد تقاضا هستند و فرصت‌های شغلی بیشتری در این رشته‌ها وجود دارد. به عنوان مثال، رشته‌های مهندسی نرم افزار، علوم کامپیوتر، پزشکی، حقوق و مدیریت کسب و کار از جمله رشته‌هایی هستند که در بازار کار

اشباع شده‌اند و فرصت‌های شغلی بیشتری در این حوزه‌ها وجود دارد. علاقه فرد به رشته تحصیلی نقش مهمی در انتخاب رشته دارد. زمانی که فرد به رشته‌ای علاقه‌مند باشد، احتمال موفقیت و رضایت بیشتر از تحصیل در آن رشته بالاتر است. علاقه به رشته تحصیلی می‌تواند انگیزه و انرژی بیشتری را در فرد ایجاد کند و او را ترغیب به پیگیری و تلاش بیشتر در آن رشته کند. علاوه بر علاقه، نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که عوامل دیگری نیز بر انتخاب رشته تحصیلی تأثیرگذار هستند. به عنوان مثال، شرایط اقتصادی، نیازهای بازار کار، توانمندی‌ها و استعدادهای فرد، نظرات خانواده و مشاوران تحصیلی نیز می‌توانند در انتخاب رشته تحصیلی تأثیرگذار باشند، بنابراین، برای انتخاب رشته تحصیلی مناسب، لازم است فرد به علاقه‌های شخصی خود توجه کند، اما در عین حال به عوامل دیگری نیز توجه کند که می‌توانند در موفقیت و رضایت حرفه‌ای تأثیرگذار باشند. در این تحقیق تلاش شده است که با توجه به در نظر گرفتن عوامل پیش فرض بالا، با مصاحبه و پرسشنامه با جامعه هدف این دلایل عدم تمایل به تحصیل در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش بیشتر واکاوی شود و و با کار آماری روی نتایج و تحلیل آن جواب مناسب بر اساس اولویت مشخص گردد.

پیشینه پژوهش:

آموزش و پرورش به عنوان یکی از نهادهای زیربنایی در جامعه نقش مهم و انکارناپذیری در آماده سازی و توزیع افراد جامعه در جایگاه مناسبشان در آینده بر عهده دارد. نیروی کار آموزش دیده برای دستیابی به توان اقتصادی در بخشهای گوناگون جامعه نقش کلیدی دارد. به همین دلیل سرمایه گذاری برای آموزش فنی و حرفه‌ای نوعی سرمایه گذاری برای آینده است. کشورهایی که به اهمیت آموزش و نقش آن در اقتصاد آینده پی برده اند و هم زمان دغدغه توسعه یافتگی نیز دارند، کیفیت بخشی به نظام آموزش را محور رسالت های بنیادین و اولویت های خود می دانند (اکرام نیا، ۱۳۸۰). آموزش فنی و حرفه‌ای به افراد در بالا بردن و بهبود دانش در حوزه علوم و تکنولوژی در بخش وسیعی از مشاغل که به توانمندی های فنی و حرفه‌ای و مهارت های تحصیلی نیاز دارد کمک می کند. این نوع آموزش به فراگیران کمک می کند تا با افزایش دانش و مهارت خود میزان انعطاف پذیری و پاسخگویی به نیازهای مهارتی جامعه را برآورده کنند. آموزشهای فنی و حرفه‌ای باید به عنوان سیستم آموزش در تمام طول زندگی وجود داشته باشد و نیازهای خاص هر کشور را برآورده نماید و موجب توسعه تکنولوژی جهانی شود. همچنین باید افراد را در تصمیم گیری شرکت در

جلسات با رشد فکری، کارهای گروهی و رهبری در محل کار و جامعه آماده کند (یونسکو و سازمان جهانی کار، ۲۰۰۲). امروزه نظام آموزش و پرورش بنا بر ضرورت تغییرات اجتماعی، گسترش علوم و تجربه های بشری، توسعه فناوری و پیشرفتهای صنعتی، یکی از سازمان های پیچیده و بزرگ اجتماعی هر کشوری محسوب می شود که با رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیوندی ناگسستنی دارد (صالحی و همکاران، ۱۳۸۶). کارکردهای آن به حدی است که جوامع انتظار دارند این سازمان پاسخگوی نیازهای معنوی و مادی آنان باشد و به عنوان عاملی مهم تحقق نیازهای فردی، اجتماعی و رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را ممکن کند. یکی از کارکردهای آموزش و پرورش برنامه ریزی برای تحصیل در سطوح مختلف است (زاده محمدی، ۱۳۸۱).

یکی از بزرگترین موانع توسعه آموزش فنی و حرفه ای طرز تلقی مدرسین و عموم مردم در خصوص آموزش فنی و حرفه ای می باشد که آنرا در سطح نازلتر از آموزش عمومی سستی می انگارند. دانش آموزان و اولیاء آنان دوره های آموزشی نظری را که امکان دسترسی به مشاغل بالاتر را دارند، ترجیح می دهند از آنجاکه دانش آموزان فنی و حرفه ای فاقد امکانات و شرایط لازم برای ادامه تحصیل و دستیابی به این نوع مشاغل هستند به ناچار آموزش خود را در سطح دیپلم به پایان می رسانند و در نتیجه با آرزوهای بیش از حد با شرایط اشتغالی مواجه می شوند که یا واجد شرایط آن نیستند و یا اینکه با شمار بسیاری از متقاضیان همپای خود برای تعداد محدودی از مشاغل در رقابت اند (درائی، ۱۳۸۵).

حمایتهای دولت درخصوص تکمیل دوره فنی و حرفه ای با ایجاد ظرفیت مقطع کاردانی برای کلیه فارغ التحصیلان فنی و حرفه ای و همچنین صدور قوانین و مقرراتی که دال بر اولویت دهی استخدام فارغ-التحصیلان این رشته ها در مراکز صنعتی- تولیدی یا خدماتی می تواند موجبات افزایش منزلت و جایگاه فنی و حرفه ای را ایجاد نماید و بدین ترتیب با جذب دانش آموزان مستعدتر که رفتار ورودی بهتر برای یادگیری دروس فنی و حرفه ای دارند به کیفی کردن و افزایش بازدهی آن بیانجامد (طالب زاده، ۱۳۸۴). آموزش فنی و حرفه ای به افراد در بالا بردن و بهبود دانش در حوزه علوم و تکنولوژی در حوزه وسیعی از مشاغلی که به توانمندی های فنی و حرفهای و مهارتهای تخصصی نیاز دارد کمک می کند. این نوع آموزش به فراگیران کمک می کند تا با افزایش دانش و مهارت خود، میزان انعطاف پذیری و پاسخگویی به نیازهای مهارتی جامعه را برآورده کنند. برطبق تحقیقات سازمانهای بین المللی آموزش های فنی و حرفه ای باید به عنوان سیستم آموزشی در تمام طول

زندگی وجود داشته باشد و نیازهای خاص هر کشور را برآورده نماید و موجب توسعه تکنولوژی جهانی شود. همچنین باید افراد را در تصمیم‌گیری، شرکت در جلسات فکری، کارهای گروهی و رهبری در محل کار و جامعه آماده کند (یونسکو و سازمان جهانی کار، ۲۰۰۲).

در بعضی تحقیقات چند سال اخیر نشان داده شد که سخت شدن رقابت در بازار کار و تامین مخارج می‌تواند پیامدهای منفی را به همراه داشته باشد، شامل: استرس و فشار روانی، کاهش رضایت شغلی، افزایش فشار مالی، کاهش امکانات آموزشی و افزایش نابرابری. درواقع به طور کلی سخت شدن رقابت در بازار کار می‌تواند به پیامدهای منفی مذکور منجر شود. برای مقابله با این پیامدها، اهمیت دارد که افراد بر روی توسعه مهارت‌های فردی خود، مدیریت استرس و اضطراب، ایجاد تعادل کار-زندگی، و ایجاد شبکه‌های ارتباطی قوی تمرکز کنند. انگیزه و علاقه به رشته تحصیلی می‌تواند تأثیر بسزایی در پیشرفت تحصیلی هنرجویان داشته باشد. وقتی که فرد به رشته تحصیلی خود علاقه‌مند باشد، احتمالاً بیشتر تمایل به یادگیری و پیشرفت در آن رشته خواهد داشت. انگیزه می‌تواند به عنوان یک محرک داخلی عمل کند که فرد را به تلاش و کوشش بیشتر در تحصیل و یادگیری ترغیب می‌کند (موزاکیس، ۲۰۱۰).

عدم ارائه آموزش‌های مربوط به نوآوری و خلاقیت، بازاریابی، نحوه تدوین و ارزیابی طرح کسب و کار، مطالعه بازار، روشهای تأمین مالی کسب و کار، رقابت و الزامات فعالیت در بازارهای رقابت و قوانین و مقررات مربوط به کسب و کار از محدودیت‌ها و مسائلی است که اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را تا حد زیادی کاهش داده است. تغییر نگرش از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای صرف به آموزش‌های کارآفرینی می‌تواند موجب ارتقاء و اثربخشی این آموزش‌ها شده و جهت این آموزش را از اشتغال از طریق سیستم مزد‌بگیری به سمت خود اشتغالی و کارآفرینی سوق دهد (صانعی مقدم، ۱۳۸۲). به هر حال، هدف نیادی نظام آموزش مهارتی، تربیت نیروی انسانی برای رفع نیازهای بازار کار است اما شواهد موجود حاکی از عدم تحقق یافتن کامل این هدف در برخی از کشورها به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه است. در کشورهای توسعه یافته ای چون آلمان، دانمارک و بسیاری از کشورهای دیگر آموزش فنی و حرفه‌ای براساس اصل آموزش دوگانه می‌باشد به این معنی که شرکت‌کنندگان، یک قسمت از آموزش خود را در مدارس فنی و حرفه‌ای و قسمت دیگر را در شرکت‌هایی که مستقیماً در آن حرفه مشغول فعالیت می‌باشند، می‌گذرانند (داملوند، ۲۰۱۱). مسائلی از قبیل بیکاری فارغ‌التحصیلان، عدم همخوانی شغل با تخصص، عدم انتقال مناسب فارغ-التحصیلان از مدرسه به کار، دانش آموختگان ناکارآمد، عدم انطباق میان

مهارت های دانش آموختگان با نیازهای بازارکار، تزریق دانش آموزان ناکارآمد به مدارس مهارت آموزی (هنرستان ها)، پیشرفت تحصیلی نامناسب، عدم مشارکت یا مشارکت کم رنگ صنعت، تأسیس این مدارس بدون در نظر گرفتن نیازهای منطقه ای و نرخ پایین علاقه مندی به ثبت نام در آنها و همچنین برنامه های درسی متمرکز از جمله محدودیت های این نظام در بسیاری از کشورها عنوان شده اند که در تحقیق های متعدد این عوامل بارها مورد تایید قرار گرفته اند: (بورکو، ۲۰۱۰). (درن ۲۰۱۰ و ویسکه، ۲۰۱۰) که همه این محدودیتها در عدم تحقق یافتن کامل رسالت این مراکز نقش داشته اند. با هزینه های بسیار که نسبت به آموزش نظری و عمومی برای این آموزش ها صرف می شود، ایجاد اصلاحات در این نظام بسیار ضروری است. اصلاحاتی که گروتینگز در سال ۱۹۹۱ به عنوان (نوگرایی) و لهما و تایلور در سال ۲۰۰۳ به عنوان (حرفه گرایی جدید) معرفی کرده اند. (صالحی و همکاران، ۱۳۸۶)، توسعه و پیشرفت حرفه ای معلمان از دهه های گذشته شدیداً مورد توجه قرار گرفته و طراحی و انتشار مدل های جدید پیشرفت حرفه ای معلمان، انگیزه و موضوعی جدید برای بحث و مباحثه بین متخصصان آموزش در سراسر دنیا شده است. (بوروکو و همکاران، ۲۰۱۰).

پیشرفت حرفه های و مستمر معلمان برای توسعه و پیشرفت سازمانی و مدارس بسیار مهم می باشد. یکی از نشانه های افراد حرفه ای در این بخش، یادگیری مداوم آنها می باشد و پیشرفت حرفه ای معلمان یکی از عوامل اصلی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بوده که در نهایت سیاست اصلی دولت یا مدارس در حوزه آموزش می باشد (ارلی، ۲۰۱۰). بسیاری از نوآوری ها در حوزه تکنولوژی های آموزشی بیشتر به سمت دانش آموز محور شدن سیستم آموزشی می روند و معلم به جای این که انتقال دهنده اطلاعات به دانش آموزان باشد به آنها کمک می کند تا دانش خود را ساخته و سامان دهی نمایند. در این بین تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطی بهترین شکل-آموزش رو در رو و الکترونیکی را برای سیستم آموزش مهیا کرده اند. شعبانی و همکارانش در سال ۱۳۸۹ در مطالعه ای با عنوان استانداردهای ملی ایران (تعداد دانش آموزان کلاس درس) دریافت اگر تعداد دانش آموزان کلاس از بالای ۲۰ نفر به پایینتر از ۲۰ نفر در هر کلاس کاهش یابد، میزان موفقیت دانش آموزان متوسط کلاس از صدک پنجاهم به بالاتر از صدک شصتم افزایش می یابد و این میزان در ارتباط با دانش آموزان ضعیف بیشتر است. اخلاقی نیز در سال ۱۳۶۹ در مطالعه خود دریافت پیشرفت تحصیلی هنرجویان جوار به ویژه در درس عملی و مهارت های فنی از هنرجویان هنرستان های فنی غیر جوار بیشتر است همچنین عواملی مانند تأمین آینده شغلی، آموزش عملی توأم با کار و همکاری واحدهای

صنعتی موجب بهتر بودن نسبی پیشرفت تحصیلی هنرجویان جوار صنایع نسبت به هنرجویان غیرجوار می باشد (شعبانی ورکی، ۱۳۸۹، و اخلاقی، ۱۳۶۹).

نتایج تحقیق ساداتی و همکارانش بیان می کند از نظر اکثر قاطع مدیران هنرستان ها، کاهش انگیزه هنرجویان نسبت به ادامه تحصیل مهمترین عامل افت تحصیلی در هنرستانها می باشد. همچنین به نظر اکثر مدیران هنرستان ها تغییر نحوه توزیع تجهیزات تخصصی بین هنرستانها تأثیر زیادی بر پیشرفت تحصیلی هنرجویان می گذارد (ساداتی، ۱۳۹۰). طلوع هاشمی در مطالعه خود دریافت مسئولین آموزش فنی و حرفه‌ای و مدیران در تأمین نیروهای فنی خود دچار مشکل بوده اند. همه مسئولین آموزش فنی و حرفه‌ای و مدیران اعلام نموده اند که اعتبارات مربوط با شاخه کاردانش کافی نیست. همچنین کمبود مدرس متخصص در رشته‌های خاص، نبودن سرانه کافی جهت دانش آموزان، نداشتن کارگاه‌های مستقل جهت اجرای این شاخه و عدم همکاری کامل سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای از دیگر محدودیت‌ها می باشد (طلوع هاشمی، ۱۳۷۳). مطالعه انجام گرفته توسط سالاری نشان داد بیشترین مانع ورود دانش آموزان به شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش بین تمام عوامل با راستی آزمایی معتبر تستهای آماری نگرش منفی والدین می باشد. کمبود و مجهز نبودن کارگاه‌ها در مدارس فنی و حرفه‌ای و کاردانش همچنین مشکل کاربایی بعد از فراغت از تحصیل از دیگر موانع ورود به شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش می باشد. نگرش ۷۱ درصد از گروه‌های مورد بررسی بر آن است که عامل گرایش فرزندان به شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش علاقه خود آنان است. همچنین دختران نسبت به پسران نگرش مساعدتری به شاخه کاردانش و فنی و حرفه‌ای نشان داده اند (سالاری، ۱۳۷۵).

یافته‌های مطالعه خالقی مقدم و همکارانش نشان می دهد که تقویت انگیزه در هنرجویان و کارکنان کارگاهی، استفاده از هدایت تحصیلی و شغلی، بهبود سطح کیفی کارکنان کارگاهی و مدیریت صحیح و علمی در کارگاه‌های و هنرستان‌ها باعث ارتقاء سطح بهره‌وری کارگاه‌های فنی می شود. همچنین توجه به مهارت‌های کارکردی و فراکارکردی در کارگاه‌ها منجر به افزایش درآمدها و کاهش هزینه‌های کارگاهی می شود (خالقی مقدم، ۱۳۶۶). نتایج پژوهش صانعی مقدم و همکارانش وزمانی و همکارانش بطور مجزا نشان داد کاهش نسبت دانش آموز به معلم دارای بیشترین تأثیر در پیشرفت تحصیلی و رفتار و گرایشات دانش آموز است. در بخش فنی و تجهیزات، شاخص‌های مربوط به نسبت تجهیزات اصلی کارگاه به هنرجو دارای بالاترین نمره و نسبت فضای ورزشی به هنرجو از پایین‌ترین نمره برخوردار بوده است. نسبت فضای کارگاه به هنرجو و نسبت فضای آزمایشگاه به

هنرجو در رده های دوم و سوم قرار دارند. در بخش مالی، متوسط بودجه مالی به مواد آزمایشگاهی و کارگاهی، بالاترین نمره و سرانه ی ورزشی کمترین نمره را به خود اختصاص داده اند (صانعی مقدم، ۱۳۸۲ و زمانی، ۱۳۸۱). در کار تحقیقی دیگری ریاحی نشان داد که عوامل خانوادگی روی تعیین رشته دانش آموزان در ورود به دوره متوسطه از اهمیت بیشتری حتی نسبت به علاقمندی آنها برخوردارست و بر حسب شرایط مالی و فرهنگی و میزان تحصیلات خانواده ها در یک بررسی آماری راستی آزمای شده و معتبر کمترین علاقه مندی به رشته های کار دانش و فنی و حرفه ای و بیشترین تمایل به رشته های علوم تجربی و ریاضی فیزیک وجود دارد که فقط با انگیزه های مالی توسط اولیاء به دانش آموزان بصورت اجباری در واقع تحمیل می شود (ریاحی، ۱۳۸۳).

نتایج چند تحقیق مجزا اکرام نیا و همکارانش نشان داد مهمترین مشکلات عنوان شده دانش آموزان شاخه های فنی و حرفه ای و کاردانش شهر اصفهان عدم وجود یک فضای مناسب برای کارورزی دختران و همچنین عدم وجود نیروی متخصص کافی در بعضی از رشته های مطلوب دختران می باشد (اکرام نیا، ۱۳۸۰). یافته های پژوهش بعدی اکرام نیا و همکارانش نشان می دهد نسبت اتلاف مجموع دانش آموزان رشته های فنی و حرفه ای ورودی سال تحصیلی ۷۶-۷۵، آموزش و پرورش استان در دوره مورد بررسی برابر با ۱/۹۴ بوده است. این نسبت برای دانش آموزان پسر ۲/۲۶ و دانش آموزان دختر ۱/۴۵ بوده است. ضریب کارایی درونی مجموع دانش آموزان رشته های فنی و حرفه ای آموزش و پرورش استان در دوره مورد بررسی برابر با ۰/۵۲ بوده است. میانگین طول دوره تحصیل مجموع دانش آموزان رشته های فنی و حرفه ای آموزش و پرورش استان در دوره مورد بررسی برابر با ۳/۳۷ سال بوده است. میانگین درصد فارغ التحصیلان مجموع دانش آموزان رشته های فنی و حرفه ای استان در دوره مورد بررسی برابر با ۶۲/۲ درصد بوده است (اکرام نیا، ۱۳۸۱). نتایج مطالعه عماد زاده و همکارانش نشان داد کمبود دوره های مناسب و به روز شده آموزشی ضمن خدمت برای مربیان، مشکل تأمین سرپرستان کارگاه علاقمند و مجرب، محدودیت فضای آموزشی، محدودیت امکان ادامه تحصیل هنرجویان، محدودیت جذب دبیران و هنرآموزان، محدودیت برگزاری دوره های کارآموزی و کارورزی، عدم همخوانی رشته ها با نیازهای منطقه ای و اقتصادی از جمله مشکلات اجرایی ارائه آموزشهای فنی و حرفه ای و کاردانش در واحدهای آموزشی اصفهان می باشد که نوع پژوهش توصیفی - پیمایشی - تحلیلی بود. (عمادزاده، ۲۰۰۳).

در کشور عربستان سعودی نتایج تحقیق انجام شده نشان داد که بیشتر دانش آموزان ملاحظه کافی و جدی در انتخاب رشته شان به دلیل نداشتن شناخت درباره رشته ها و نیز آزادی تغییر رشته پس از انتخاب آن نداشتند و فقط ۲۹ درصد از دانشجویان برنامه های آشنایی با رشته ها را کافی می دانستند (الدوساوی، ۱۹۹۶). درن و همکارانش در مطالعه ای به بررسی میزان کسب اطلاع از رشته های دانشگاهی پرداختند. نتایج نشان داد که در خصوص دانشجویان سال اول دانشگاه کسب اطلاعات درباره رشته های غیر معروف بسیار کم است و آنها قبلاً در دوره دبیرستان نیز هیچ اطلاعاتی را درباره این رشته ها دریافت نکرده بودند (درن، ۲۰۱۰). دالی و همکارانش در سال ۲۰۰۳ در بررسی تفاوت های زنان و مردان در استفاده از میزان اطلاعاتی درباره انتخاب رشته کالج پی بردند که زنان بیشتر از مردان از مشاوران شغلی و نیز مواد اطلاعاتی فراهم شده به وسیله کالج برای کسب اطلاع درباره انتخاب رشته استفاده کرده بودند (دالی، ۲۰۰۳). در مطالعه ای در تانزانیا کاهیارارا و همکارانش دریافتند افراد با سطوح بالای آموزش آکادمیک از افرادی که دارای مدارک پایین تر دانشگاهی یا دارای مدارک فنی و حرفه ای هستند درآمد بیشتری دارند (کاهیارارا، ۲۰۰۸).

مشکلاتی مانند بیکاری فارغ التحصیلان، عدم همخوانی شغل با تخصص، عدم انتقال مناسب فارغ التحصیلان از مدرسه به کار، دانش آموختگان ناکارآمد، عدم انطباق میان مهارت های دانش آموختگان با نیازهای بازار کار، تزیق دانش آموزان ناکارآمد به مدارس مهارت آموزی هنرستان ها، پیشرفت تحصیلی نامناسب، عدم مشارکت با مشارکت کم رنگ صنعت، تاسیس این مدارس بدون در نظر گرفتن نیازهای منطقه ای و نرخ پایین علاقه مندی به ثبت نام در آنها و همچنین برنامه های درسی متمرکز از جمله محدودیتهای این نظام در بسیاری از کشورها عنوان شده اند. این محدودیت ها در عدم تحقق یافتن کامل رسالت این مراکز نقش داشته اند. برای رفع این مشکلات، اصلاحات در این نظام بسیار ضروری است. گروتینگر از آن به عنوان نوگرایی و لهما و تابلور به عنوان حرفه گرایی در تحقیق خود یاد کرده اند (بورکو، ۲۰۱۰ و ویسکه، ۲۰۱۰). پژوهش حاضر بر آن است که ضمن مقایسه میانگین بین مولفه های موانع و مشکلات گرایش به رشته های فنی و حرفه ای از دیدگاه دانش آموزان، رتبه بندی مولفه های اثرگذار را معرفی کند. با توجه به کارهای تحقیقی محدود انجام گرفته در مورد آسیب شناسی دلایل عدم گرایش دانش آموزان دوره متوسطه به انتخاب رشته های مرتبط با آموزشهای فنی و حرفه ای و کاردانش و عدم فراگیری مهارت آموزی کاربردی لازم برای اشتغال مستقل توسط آنان در این تحقیق با یک پایلوت اجرایی حقیقی (مرکز آموزش فنی و حرفه ای شهید مطهری رشت) به این موضوع با تحلیل آماری دقیق تری پرداخته شد.

روش پژوهش:

در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی و جمع‌آوری داده‌ها به صورت پیمایشی، عوامل مختلفی که ممکن است به کاهش علاقه دانش‌آموزان به ادامه تحصیل در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و اصولاً فراگیری مهارت‌آموزی منجر شوند، شناسایی شدند. تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد و از لحاظ ماهیت و روش تحقیق بر اساس تقسیم‌بندی‌های ذکر شده، میدانی و از لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات نیز از نوع تحقیقات توصیفی و از لحاظ زمانی جزو تحقیقات تک‌مقطعی می‌باشد و از نوع اکتشافی محسوب می‌گردد. رویکرد کلی تحقیق حاضر از نوع روش کیفی و کمی بود. در این تحقیق در بخش کیفی برای شناسایی مؤلفه‌های موثر بر میزان گرایش دانش‌آموزان به ادامه تحصیل در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و اصولاً فراگیری مهارت‌آموزی و برای رتبه‌بندی مؤلفه‌های مختلف با استفاده از پرسشنامه‌های محقق ساخته دارای معیار قضاوت و از روش دلفی استفاده شده است. همچنین با استفاده از عوامل تدوین شده، ابزار پژوهش شامل پرسشنامه با در نظر گرفتن روایی (روایی محتوا) و پایایی (آلفای کرونباخ) تهیه شد. بخش کمی شامل محاسبات آماری نرم افزاری بود. مشارکت کنندگان جامعه هدف در این مطالعه موردی ۳۴۶ نفر از کارآموزان مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهید مطهری رشت در کارگاه‌های مکانیک خودرو و دانش‌آموزان پایه‌های ۱۰، ۱۱ و ۱۲ هنرستان امام خمینی بخش سنگر این شهر بودند که در این تحقیق مشارکت فعال داشتند که در جدول ۱ به جزئیات آنها اشاره شد و از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و پیمایشی برای آنها استفاده شد. در این پژوهش در مرحله اول، برای تدوین مبانی نظری تحقیق از روش کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی استفاده شد. به گونه‌ای که ابتداءً این روش مقاله‌های موجود در پیشینه موضوع در نشریات معتبر که از سایتهای علمی اینترنتی اخذ گردیده، به همراه نمایه‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتابهای مرتبط با موضوعات مطرح شده استفاده شد. در مرحله دوم، از روش میدانی برای گردآوری اطلاعات جهت پاسخگویی و در نهایت از مدل آماری با استفاده از نرم افزار **Spss ۲۰** و آزمون **t** برای اعتبارسنجی نتایج مدل تحقیق استفاده شد. در واقع روش و ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی به صورت مصاحبه و پرسشنامه محقق ساخته بود. در بخش کمی از روشهای آماری برای تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود، از نرم افزار استفاده شد.

جدول یک: پراکندگی نمونه بر حسب پایه‌های تحصیلی و مهارت‌آموزی

تعداد کل پایه ی دوم دانش آموزان فنی پایه ی سوم دانش آموزان فنی کارآموزان مرکز فنی و حرفه ای

حرفه ای و کاردانش حرفه ای و کاردانش هنرستان شهید مطهری رشت

هنرستان امام خمینی سنگر امام خمینی سنگر

۸۸

۱۲۶

۱۳۲

۳۴۶

در بررسی میدانی از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته و پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. بعد از انجام مصاحبه، پیاده سازی مصاحبه ها انجام شد و برای تحلیل آماده شد. فرایند تحلیل داده ها استقرایی بود. در بخش کمی از روش میدانی استفاده شد، بدین ترتیب که پرسشنامه‌های بر اساس یافته های به دست آمده از مرحله کیفی ساخته شده و تکمیل گردید. برای بررسی روایی پرسشنامه های تحقیق از نظر اساتید و خبرگان استفاده شده است و پس از کسب نظر متخصصان، مورد تأیید قرار گرفته است و پرسشنامه های تحقیق از روایی برخوردار می باشد. برای محاسبه پایایی تحقیق در بخش کیفی، ابتدا از هر کدام از دانش آموزان پایه دوم و سوم فنی و حرفه ای و کاردانش و کارآموزان مرکز فنی و حرفه ای شهید مطهری رشت با نظر مشاور مرکز مطهری رشت از هر کدام ۱۵ نفر و مجموعاً ۴۵ نفر برای مصاحبه نیم ساعته انتخاب شدند و نهایتاً با توجه به نوع پاسخ ها از بین مصاحبه های انجام گرفته، ۲۰ مصاحبه که کیفیت پاسخگویی به سوالات بهتری داشتند، انتخاب گردید و هر کدام از آنها در یک فاصله زمانی یک ماهه توسط محقق کدگذاری شدند. نتایج حاصل از این در جدول ۲ و ۳ ذکر شد که دارای پایایی نیز بود. تحلیل داده ها در بخش کیفی در قالب کدگذاریهای متداول انجام گرفت. همچنین جهت تحلیل داده ها در بخش کمی از نرم افزار ۲۰ Spss و آزمون t استفاده شد.

یافته های پژوهش:

برای تحلیل بخش کیفی و محاسبه پایایی تحقیق، با بهره گیری از تجارب موجود در سطح ملی و بین المللی و با اقتباس از پرسشنامه معیارهای قضاوت محقق ساخته و کاربرد فن دلفی، معیارهای قضاوت مشخص شد. با بهره گیری از عوامل و نشانگرهای تدوین شده، ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه با در نظر گرفتن روایی (روایی محتوا) و پایایی (آلفای کرونباخ) تهیه شد. برای سنجش سازگاری درونی پرسشنامه، از آلفای کرونباخ با محاسبه و روش کمی استفاده می شود، به این ترتیب که با افزایش میزان سازگاری درونی پرسشنامه ضریب آلفا نیز افزایش می یابد، به این معنی که اگر

گویه‌ها بیشترین ارتباط را با هدف مورد بررسی (متغیر مربوط به فرضیات تحقیق) داشته باشند، این ضریب بزرگ می‌شود. این بخش توسط نرم افزار Spss انجام شد و در همه موارد اعداد بین ۰,۸ تا ۰,۹ بدست آمد که روایی نتایج پرسشنامه ها را نشان داد. در این قسمت از تحقیق، ابتدا همانگونه که در بخش روش تحقیق اشاره شد از هرکدام از دانش آموزان پایه دوم و سوم فنی و حرفه ای و کاردانش و کارآموزان مرکز با نظر مشاور مجموعاً ۴۵ نفر برای مصاحبه نیم ساعته انتخاب شدند و نهایتاً با توجه به نوع پاسخ ها از بین مصاحبه های انجام گرفته، ۲۰ مصاحبه که کیفیت پاسخگویی به سوالات بهتری داشتند، انتخاب گردید و هرکدام از آنها در یک فاصله زمانی یک ماهه توسط تیم محققان بررسی و بر حسب معیارهای قضاوت کدگذاری شدند. برای تحلیل بخش کمی تحقیق چون کار آماری برای اعتبار سنجی نیاز بود، بعد از آماده کردن پرسشنامه ها و ارایه آن به تمام دانش آموزان و کارآموزان با الگوی روش دلفی و دادن فرصت مناسب برای پاسخگویی آنها، تحلیل داده ها در قالب کدگذاری محوری با فاصله زمانی یک ماهه انجام گرفت میانگین نمره میزان موانع و مشکلات تحصیل در دو رشته ذکر شده بر اساس نظر اساتید و خبرگان و مطالعات میدانی و کتابخانه ای عدد ۳ در نظر گرفته شد. همچنین عوامل علاقه به تحصیل، شناخت به تحصیل، بازار کار تحصیل، امکان ادامه ی تحصیل، توانایی و استعداد به تحصیل، توانایی اقتصاد و اجبار والدین، محیط اجتماعی تحصیل، میزان آمادگی جسمی و روانی و میزان انگیزه بعنوان سطوح کدگذاری شده توسط گروه محققان مقاله برای تعیین میانگین نمره میزان موانع و مشکلات تحصیل در رشته های فنی و حرفه ای و کاردانش در نظر گرفته شد. بعد از تحلیل داده ها برای اعتبار سنجی، آزمون t (ازنوع تک نمونه ای برای برابری میانگین جامعه با مقداری معلوم) روی داده ها انجام شد. می دانیم هر چه مقدار T بزرگتر باشد، اختلاف میانگین دو جامعه آماری بیشتر است. چنانچه این مقدار از خطای مجاز بیشتر باشد، فرض صفر ما رد خواهد شد که در این تحقیق ما صرفاً مقایسه میانگین نمره موانع و مشکلات ادامه تحصیل در این رشته ها را با آزمون t انجام دادیم. این کار کمک می کند تا راحت تر بتوانیم درستی فرض صفر را بسنجیم. بر اساس یافته های جدول ۲، میانگین نمره میزان موانع و مشکلات تحصیل در رشته های فنی و حرفه ای در دانش آموزان در فاصله اطمینان ۹۵ درصد معادل عدد ۳/۲۵ می باشد و این عدد محاسبه شده از t جدول آماری مرجع در این شرایط بزرگتر است. بنابراین میزان موانع و مشکلات تحصیل در رشته های فنی و حرفه ای برای دانش آموزان بالاتر از سطح متوسط است.

جدول دو: مقایسه ی میانگین نمره میزان موانع و مشکلات تحصیلی در رشته های فنی و حرفه ای از دیدگاه دانش

آموزان با میانگین فرضی ۳

گروه	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
دانش آموزان - کارآموزان	۳/۲۵	۰/۵۸	۰/۰۳۱۲	۷/۹۹	۳۴۵	۰/۰۰۱

جدول سه: مقایسه میانگین بین مولفه های موانع و مشکلات گرایش به رشته های فنی و حرفه ای از دیدگاه دانش آموزان

با میانگین فرضی ۳

مولفه ها	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
علاقه به تحصیل	۳/۲۲	۱/۰۱	۰/۰۵۴۴	۶/۹۴۲	۳۴۵	۰/۰۰۱
شناخت به تحصیل	۳/۲۴	۱/۰۱	۰/۰۵۴۴	۷/۶۱۱	۳۴۵	۰/۰۰۱
بازار کار تحصیل	۳/۲۶	۰/۷۷	۰/۰۴۱۵	۸/۳۱۴	۳۴۵	۰/۰۰۱
امکان ادامه ی تحصیل	۳/۱۴	۰/۹۴	۰/۰۵۰۶	۴/۵۱۱	۳۴۵	۰/۰۰۱
توانایی و استعداد به تحصیل	۳/۴۳	۰/۷۱	۰/۰۳۸۲	۱۳/۸۷	۳۴۵	۰/۰۰۱
توانایی اقتصاد و اجبار والدین	۳/۱۴	۱/۳۲	۰/۰۷۱۱	۴/۶۱۹	۳۴۵	۰/۰۰۱
محیط اجتماعی تحصیل	۳/۱۵	۱/۰۹	۰/۰۵۸۷	۴/۸۹۳	۳۴۵	۰/۰۰۱
میزان آمادگی جسمی و روانی	۳/۳۱	۰/۸۹	۰/۰۴۷۹	۹/۸۱۱	۳۴۵	۰/۰۰۱
میزان انگیزه	۳/۱۸	۰/۹۳	۰/۰۵	۵/۸۴	۳۴۵	۰/۰۱

همچنین بعد از تحلیل داده ها بر اساس استفاده از نرم افزار Spss براساس یافته های جدول ۳، میانگین نمرات میزان علاقه به تحصیل ۳/۲۲، شناخت به تحصیل ۳/۲۴، بازار کار تحصیلی ۳/۲۶، امکان ادامه تحصیل ۳/۱۴، توانایی و استعداد تحصیلی ۳/۲۴، توان اقتصادی و اجبار والدین ۳/۱۴، محیط اجتماعی ۳/۱۵، میزان آمادگی جسمی و روانی ۳/۳۱ و میزان انگیزه در رشته های فنی و حرفه ای ۳/۱۸ از دیدگاه مطالعه موردی دانش آموزان مدرسه امام خمینی سنگر و کارآموزان مرکز آموزش فنی و حرفه ای شهید مطهری رشت می باشد و چون T محاسبه شده از T جدول در تمامی مولفه های آن بزرگتر است، بنابراین میزان تمامی مولفه های ذکر شده در رشته های فنی و حرفه ای در حجم نمونه منتخب نیز بالاتر از سطح متوسط است.

تحصیل

بحث و نتیجه گیری:

در این بخش ابتدا نتایج چندین مورد از مراجع تحقیق که کارهای مشابهی انجام داده بودند برای مقایسه بهتر نتایج آنها با این کار تحقیقی ذکر شده است. مروری بر ادبیات موضوع نشان دهنده فقر پژوهش ها در این زمینه به ویژه در ایران می باشد. نتایج تحقیق سادانی کیانی و قهرمان (۱۳۹۰) بیانگر آن است که در هنرستان های مورد بررسی از میان سه مولفه فضا، نیروی انسانی و وضعیت نیروی انسانی در مقایسه دو مولفه دیگر وضعیت بهتری دارد. نظر به آنکه در رشته های مورد بررسی در مجموع حدود ۵۶،۷۵ درصد فضای آموزشی غیرکارگاهی (شامل کلاس درس و کتابخانه) در سطح غیراستاندارد و نزدیک به ۴۳،۲۵ درصد در سطح استاندارد می باشد؛ ارتقای وضعیت موجود باید در اولویت قرار گیرد. نتایج مشابهی توسط دو تحقیق اکرام نیا غلامرضا (۸۰ و ۸۱) در مورد مشکلات مختلف دانش آموزان هنرستانی دو استان اصفهان و خراسان بدست آمد. خالقی مقدم، محمد، (۱۳۶۶)، نیز در کار تحقیقی خود این ایده را مطرح کرد که علاقمندی و استعداد تحصیلی لازمه موفقیت تحصیلات دانشگاهی است، ولی هر سال شمار زیادی از داوطلبان وارد برخی رشته های دانشگاهی می شوند که با علاقه و استعداد آنان تناسب چندانی ندارد. یافته ها نشان دادند که حدود ۱۲ درصد از دانشجویانی که در آزمون ورودی دانشگاه ها، رشته های کشاورزی را به عنوان اولویت اول تا پنجم گزینش کرده اند. همچنین، علاقه آنان به رشته انتخابی پس از ورود به دانشگاه رشد معنی داری پیدا کرده است. عاملهای مؤثر بر این ارتقاء، نخست ناشی از محیط درونی دانشگاه، دوم، بازار کار و سوم، خانواده بوده است. تحقیق صالحی کیوان و همکارانش (۱۳۸۶) در ارزشیابی هنرستان های جامعه هدف در تهران مورد دیگری بود که برای انجام دادن پژوهش. پس از گردآوری داده ها، از آنها ارزشیابی شد. در نهایت از ۷ عامل مورد بررسی، ۵ عامل «برونداد واسطه ای (پیشرفت و افت تحصیلی)»، «تحقق اهداف اجتماعی - آموزشی»، «دانش آموختگان (دانش، مهارت، خلاقیت)»، «اشتغال» و «کارآفرینی» در سطح «نامطلوب» و ۲ عامل «ادامه تحصیل» و «رضایت کارفرمایان» نیز در سطح «نسبتاً مطلوب» ارزشیابی شده است و در هر دو طبقه «بروندادهای اقتصادی» و «بروندادهای غیر اقتصادی» وضعیت موجود در سطح «نامطلوب» و در نهایت عملکرد این هنرستان ها در سطح «نامطلوب» ارزشیابی شده است. در ادامه، برای بهبود وضعیت موجود، پیشنهادها و راهکارهایی ارائه شده است. ریاچی محمد اسماعیل (۱۳۸۳)، در تحقیق خود این پرسش اساسی را مطرح کرد که آیا

بین عوامل اجتماعی و خانوادگی (نظیر محل سکونت، وضع تأهل، سطح تحصیلات والدین، جنسیت، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، فضای عاطفی خانواده، نحوه برخورد والدین با فرزندان و نگرش جنسیتی کارآموزان) با نوع رشته‌های انتخاب شده کارآموزان دختر و پسر در مراکز فنی و حرفه‌ای استان مازندران رابطه‌ای وجود دارد؟ نظر به اهمیت متغیرهای «پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده» و «نگرش جنسیتی» پاسخ‌گویان، سعی شد تا رابطه این دو متغیر با نوع رشته‌های انتخاب شده را با تفصیل بیشتری توضیح دهند: با ادغام متغیرهای سطح تحصیلات، منزلت شغلی، میزان درآمد والدین، و امکانات رفاهی خانواده، متغیر جدیدی تحت عنوان «پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده» ساخته و رابطه آن را با نوع رشته‌ها، توزیع علل انتخاب رشته فعلی برای کارآموزی انتخاب شده توسط کارآموزان مورد سنجش قرار گرفت. این در حالی است که دارندگان نگرش جنسیتی مردسالارانه رشته‌هایی را انتخاب کرده‌اند که به‌طور عمده مردانه تلقی می‌گردند نظیر عمران، مکانیک و اتومکانیک، صنایع جوشکاری و صنایع چوبی، وجود رابطه مذکور به لحاظ آماری معنی‌دار بود و نشان داد که چنین رابطه‌ای در سطح جامعه آماری (کارآموزان مراکز فنی و حرفه‌ای استان مازندران) نیز وجود دارد. در مجموع، تحقیق وی نشان داد که برخی عوامل اجتماعی- جمعیتی (محل سکونت، وضع تأهل، بعد خانوار)، اجتماعی- خانوادگی (درآمد خانواده، منزلت شغلی پدر، سطح تحصیلات والدین، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و نحوه برخورد والدین با فرزندان)، و اجتماعی- فرهنگی (جنسیت، و نگرش جنسیتی) بر انتخاب نوع رشته‌های کارآموزی توسط کارآموزان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در استان مازندران تأثیرگذار می‌باشند.

از طرفی در تحقیق حاضر بحث عدم تمایل دانش آموزان به مهارت‌آموزی مورد واکاوی عمیق‌تری واقع شد و عوامل کامل‌تری برای قضاوت در مورد اولویت دلایل آنها از لحاظ کمی و کیفی مورد بحث قرار گرفت که در تحقیق‌های بالا و سایر پژوهش‌ها از این دیدگاه کمتر به آن پرداخته شده بود. نتایج این تحقیق با اعتبار سنجی آماری با استفاده از تست t نشان داد که عوامل مختلفی مانند عدم توجه کافی به ارزش و اهمیت تحصیلات فنی حرفه‌ای و کار و دانش در جامعه، نداشتن اطلاعات کافی درباره فرصت‌ها و مزایای شغلی در رشته مکانیک، نگرش منفی خانواده و جامعه به این رشته، و نداشتن تجهیزات و امکانات مناسب برای آموزش عملی در این رشته، ممکن است به کاهش علاقه دانش‌آموزان به این رشته‌ها منجر شود. برای رفع این مشکلات، پیشنهاداتی مانند آگاهی و آموزش عمومی درباره ارزش و اهمیت تحصیلات فنی حرفه‌ای و کار و دانش، ارائه اطلاعات دقیق و کامل درباره مسیر شغلی و فرصت‌های حرفه‌ای در رشته مکانیک، تغییر نگرش

تحصیل

خانواده و جامعه به این رشته، و بهبود تجهیزات و امکانات آموزش عملی در این رشته پیشنهاد شده است. برای رفع این مشکلات و افزایش علاقه دانش آموزان به هنرستان فنی حرفه‌ای و کار و دانش، می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

۱. ارائه اطلاعات کافی و دقیق درباره مزایا و فرصت‌های شغلی در رشته مکانیک به دانش آموزان و خانواده‌ها.

۲. اصلاح تصویر عمومی جامعه درباره ارزش و اهمیت تحصیلات فنی حرفه‌ای و کار و دانش.

۳. بهبود تسهیلات و تجهیزات آموزشی در هنرستان‌ها برای ارائه آموزش به‌روز و کیفیت بالا.

۴. تشویق و حمایت از دانش آموزان در حوزه‌های علمی و عملی مکانیک، مانند برگزاری کارگاه‌ها و رویدادهای تخصصی.

با انجام این اقدامات، می‌توان علاقه دانش آموزان را به هنرستان فنی حرفه‌ای و کار و دانش و فراگیری مهارت آموزی به ویژه در رشته مکانیک و مکانیک خودرو افزایش داد و از کاهش آن جلوگیری کرد. در نهایت، برای افزایش علاقه دانش آموزان به هنرستان فنی حرفه‌ای و کار و دانش، به ویژه در رشته مکانیک، باید از ترکیب تمامی راهکارهای فوق استفاده کرد. باید توجه به ارزش و اهمیت تحصیلات فنی حرفه‌ای و کار و دانش در جامعه افزایش یابد و اطلاعات کاملی درباره فرصت‌ها و مزایای شغلی در رشته‌های مختلف فنی و حرفه‌ای در اینجا بویژه مکانیک خودرو ارائه شود. همچنین، تسهیلات و تجهیزات آموزشی به‌روز و کیفیت بالا در هنرستان‌ها فراهم شود و نگرش خانواده و جامعه نسبت به تحصیلات فنی حرفه‌ای تغییر کند. با انجام این اقدامات، می‌توان علاقه دانش آموزان را به هنرستان فنی حرفه‌ای و کار و دانش، به ویژه در رشته مکانیک، افزایش داد و از کاهش آن جلوگیری کرد.

تقدیر و تشکر:

نویسندگان مقاله مراتب قدردانی خود را از کلیه کارکنان، مربیان و کارآموزان کارگاه‌های مکانیک خودرو مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهید مطهری و مدیر کل محترم اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان گیلان آقای مهندس پور نصیری، معاون آموزشی آقای مهندس رفیع زاده، رییس مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهید مطهری رشت آقای مهندس مهدی کمالی و همچنین مدرسان، دانش

اموزان و مدیریت محترم هنرستان امام خمینی بخش سنگر شهر رشت که درانجام مراحل مختلف این تحقیق حمایت و همکاری صمیمانه ای با ما داشتند، اعلام می دارند.

منابع:

۱. اکرام نیا، غلامرضا، (۱۳۸۱) بررسی مشکلات کارورزی و کارآموزی دانش آموزان شاخه های فنی و حرفه ای و کاردانش در سال تحصیلی ۸۰-۸۱ از دیدگاه مربیان، مدیران، دانش آموزان و دیگر دستگاه های ذیربط استان اصفهان.
۲. اکرام نیا، غلامرضا، (۱۳۸۰) بررسی فضاهای کارگاهی و آزمایشگاهی هنرستان های استان اصفهان و مقایسه ی آن با استانداردهای مربوط به هر رشته. محل نگهداری: کارشناسی تحقیقات آموزش و پرورش خراسان رضوی.
۳. اخلاقی، علی اصغر، (۱۳۶۹) بررسی تحلیلی میزان موفقیت هنرستان های فنی جوار کارخانه ای و عوامل مؤثر در آن در مقایسه با هنرستان های فنی متعارف در استان تهران. پایان نامه (فوق لیسانس دانشگاه تهران)، علوم تربیتی. مرکز اسناد و اطلاعات کشور Iran doc (آبان ۱۳۸۶).
۴. درانی، کمال، صالحی، کیوان، (۱۳۸۵) ارزشیابی هنرستان های کار دانش با استفاده از الگوی سیپ به منظور پیشنهاد چارچوبی برای بهبود کیفیت هنرستانی های کار دانش: موردی از هنرستان های منطقه ۲ شهر تهران.
۵. ریاحی، محمد اسماعیل، (۱۳۸۳) بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مرتبط با انتخاب رشته کارآموزی در مراکز آموزش فنی و حرفه ای استان مازندران. مجموعه مقالات دومین همایش نقش آموزش های فنی و حرفه ای در تحولات اقتصادی و اجتماعی، جلد اول، ۱۳۸۴، اداره کل آموزش فنی و حرفه ای مازندران.
۶. زاده محمدی، محمدرضا، (۱۳۸۱) اهمیت آموزش فنی و حرفه ای، ابزار اقتصادی ۱۳۸۱/۲ به نقل از نمایه.
۷. سالاری، علی، بررسی نگرش دانش آموزان سال اول نظام جدید آموزش متوسطه و والدین آنها نسبت به شاخه فنی و حرفه ای و کاردانش در سال تحصیلی ۷۴-۷۵ در استان یزد. محل نگهداری: کارشناسی تحقیقات آموزش و پرورش خراسان رضوی.
۸. شعبانی ورکی، بختیار، (۱۳۸۹) استانداردهای ملی ایران (تعداد دانش آموزان کلاس درس)، جزوه ی پژوهشی، محل نگهداری: دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

تحصیل

۹. صالحی، کیوان، زین آبادی، حسن رضا، کیامنش، علیرضا، (۱۳۸۶) نگاهی تحلیلی بر عملکرد هنرستانهای کاردانش موردی از ارزشیابی کیفیت بروندهای هنرستان های کاردانش منطقه ۲ شهر تهران، فصل نامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۶، سال پنجم، ۱۳۸۶.

۱۰. صانعی مقدم، میترا، (۱۳۸۲) نگاهی به دلایل عدم مهارت شغلی و حرفهای جوانان، آموزش مهارت های شغلی و حرفهای به دانش آموزان. نشریه اعتماد. ۱۳۸۲/۶/۲۳ به نقل از نمایه.

۱۱. طالب زاده، محسن و خیری خواه، آرش، (۱۳۸۴)، آموزشهای فنی و حرفه ای و نقش آن در ابعاد مختلف جوامع، بر گرفته از مجموعه مقالات دومین همایش نقش آموزشهای فنی و حرفه ای در تحولات اقتصادی و اجتماعی جلد اول. اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان مازندران.

۱۲. طلوع هاشمی، مرتضی، (۱۳۷۳) بررسی چگونگی اجرای شاخه کار دانش نظام جدید آموزش متوسطه و مشکلات اجرایی آن در راستای خراسان در سال تحصیلی، (۷۲-۷۳) برگرفته از CD خلاصه تحقیقات کارشناسی تحقیقات آموزش و پرورش خراسان رضوی.

۱۳. مشکلات کارورزی و کار آموزی دانش آموزان شاخه های اخلاقی، علی اصغر (۱۳۶۹).

۱۴. خالقی مقدم، محمد، (۱۳۶۶)، بررسی علاقمندی دانشجویان نسبت به رشته تحصیلی خود در دانشگاه و تحولات آن در سال های اخیر پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۵. زمانی، غلامحسین ساعی، رحیم. (۱۳۸۱). پیامدهای نبود شناخت از رشته تحصیلی مجموعه مقالات سیمینار بررسی روش ها و مسائل آزمون های ورودی دانشگاه ها اصفهان ۲۰ تا ۲۲ آذرماه، انتشارات دانشگاه صنعتی اصفهان.

۱۶. ساداتی کیادتی، سید مرتضی. قهرمان، آرش. (۱۳۹۰). مقایسه وضعیت دانش آموزان هنرستان های فنی و حرفه ای و مدارس کار دانش به لحاظ تطبیق مولفه های آموزشی با استانداردها، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره دهم، ص ۶۳-۸۰.

۱۷. Aldosary, A.S. Assaf, S.A. (1996). Analysis of factors influencing the selection of college majors by newly admitted students: Higher education policy, Vol ۹, No ۳, PP: ۲۱۵-۲۲۰.

۱۸. Daly, B.A. (2003). Color and gender based difference in sources of influence attributed to the choice of college major, Critical perspective on accounting ۱۰۳۷, pp ۱-۱۹.

۱۹. Emadzadeh, M. (2003). Economics of education. Esfahan: Jahad daneshgahi publisher. ۴۹۶ p.

۲۰. Kahyarara, G. Teal, F. (2008). The returns to vocational training and academic education: Evidence from Tanzania, *World development*, Vol ۳۶, Issue ۱۱, pp: ۲۲۲۳-۲۲۴۲.
۲۱. Borko. H. Jacobs. J. Koellner. K. (۲۰۱۰), Contemporary Approaches to Teacher Professional Development, *International Encyclopedia of Education*, ۲۰۱۰, Pages ۵۴۸-۵۵۶.
۲۲. Damlund Koudahl, Peter (۲۰۱۱), Vocational education and training: dual education and economic crises, *Dansih School of Education. Aarhus University. Tuborgvej 164. DK-2400 Copenhagen NV. Denmark.*
۲۳. Dearn. J. M. (۲۰۱۰), Innovation in Teaching and Curriculum Design *International Encyclopedia of Education*, ۲۰۱۰, Pages ۴۴۸-۴۵۴.
۲۴. Earley. P. (۲۰۱۰), Continuing Professional Development of Teachers *International Encyclopedia of Education*, ۲۰۱۰, Pages ۲۰۷-۲۱۳.
۲۵. Mouzakitis, George S. (۲۰۱۰), The role of vocational education and training curricula in economic development, *Educational Organization eDEKA, Aghioi Theodoroi (Almyrra), Korinth ۰۳, ۲۰۰, Greece.*
۲۶. Unesco and ILO recommendations (۲۰۰۲), Technical and vocational Education and Training for the Twenty-first Century, www.ilo.org/skills/References and further reading may be available for this article. To view references and further reading you must purchase this article.
۲۷. Wiske M. S. Spicer D. E. (۲۰۱۰), Teacher Education as Teaching for Understanding with New Technologies, *International Encyclopedia of Education*, ۲۰۱۰, Pages ۶۳۵-۶۴۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی